

36 - 224

۳۶ - ۲۲۴

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 36

Date of filing: 5 NOV 86

** AWARD - Type of Award Final
 - Date of Award 13 OCT 86
 _____ pages in English 34 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

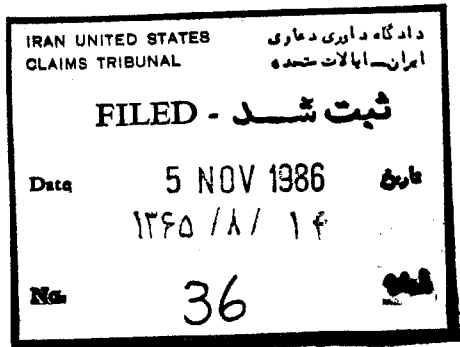
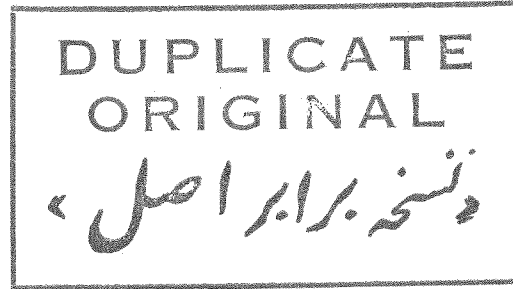
** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

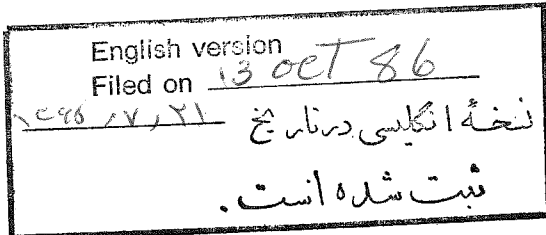
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۳۶
شعبه یک
حکم شماره ۱-۳۶-۲۵۹



فلکسی - ون لیسینگ، اینک،
خواهان،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.



حکم

حاضران:

آقای ام. بال،
خانم اس. کیس،
وکلاي خواهان

از طرف خواهان:

آقای جی. الکاس،
نماینده خواهان

آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران

از طرف خوانده:

آقای اسدالله نوری،
آقای حسین مهدیزاده،
مشاوران حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری
اسلامی ایران

آقای عبدالله پوستی،
وکیل جمهوری اسلامی ایران

آقای غلامعلی جعفری،
دستیار وکیل جمهوری اسلامی ایران

آقای ارسلان توسلی،
مشاور مالی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای ج. کروک،
نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا

سایر حاضران :

خانم ج. ام. سلبی،
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده امریکا

دعوی حاضر از قراردادهای اجاره وسایل ترابری دریائی ناشی می شود که حسب ادعا بین خواهان، فلکسی - ون لیسینگ، اینک. ("فلکسی - ون") و دو شرکت که بنا به اظهار خواهان، تحت کنترل خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران ("دولت") بوده، منعقد شده اند. دو شرکت مزبور عبارتند از شرکت استارلاین ایران ("استارلاین") و شرکت ایران اکسپرس لاینز ("ایران اکسپرس").

اول - واقعیات و اظهارات

۱ - صلاحیت

فلکسی - ون اظهار می دارد که تبعه ایالات متحده است و استدلال می کند که دولت ایران قبل از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸) کنترل استارلاین و ایران اکسپرس سپ بدست گرفته و از طریق آنها از حقوق قراردادی وی در قراردادهای اجاره سلب مالکیت کرده است.

دولت ایران چندین ایراد صلاحیتی مطرح نموده است. نخست اینکه اظهار می دارد فلکسی - ون دلایل کافی برای اثبات تابعیت امریکائی خود، طبق الزامات بیانیه حل و فصل دعاوی، اقامه ننموده است. دولت ایران همچنین انکار می کند که استارلاین یا ایران اکسپرس را به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه مذکور، تحت کنترل دارد و بنابراین اظهار می دارد که خوانده واقعی این پرونده نمی باشد. دولت ایران می گوید که پیش از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) ادعائی طبق الزام بند ۱ ماده دو بیانیه وجود نداشته، زیرا فلکسی - ون قبل از اکتبر ۱۹۸۱ (آبان ماه ۱۳۶۰) هیچ ادعائی علیه دو شرکت مزبور اقامه ننموده بود و یکی از دلایل آن این است که خواهان تا پایان اکتبر ۱۹۸۱ (آبانماه ۱۳۶۰) وسایل مورد اجاره خود را بطور مداوم از دو شرکت نامبرده

پس می‌گرفته است. دولت ایران مضافاً استدلال می‌نماید که در برخی از قراردادهای اجاره که مبنای ادعاست، فلکسی - ون طرف قرارداد نبوده، بلکه تعدادی واسطه طرف قرارداد بوده‌اند و تنها این افراد خواهان واقعی می‌باشند.

۲ - ماهیت

فلکسی - ون استدلال می‌کند که دولت ایران هر دو شرکت استارلاین و ایران اکسپرس را تحت کنترل داشته و موجب شده که آنها قراردادهای منعقد با فلکسی - ون را نقض و از اجرای آنها امتناع کرده و بدان وسیله از حقوق قراردادی فلکسی - ون و از جمله حق دریافت حسابهای دریافتی و اجاره بهای آتی و حق استرداد وسایل مورد اجاره وی سلب مالکیت نمایند. براین اساس، فلکسی - ون خواستار آن است که ارزش مالی این حقوق قراردادی را از تاریخ سلب مالکیت آنها، از دولت ایران دریافت نماید. فلکسی - ون استدلال خود را بطرق دیگری نیز مطرح کرده، می‌گوید که ادعای وی علیه دولت ایران بدلیل دخالت آن دولت در روابط قراردادی و نقض و امتناع از اجرای قرارداد و دارا شدن بلاجهت، قابل اثبات است.

شرکت فلکسی - ون وسایل ترابری دریائی و عمدتاً کانتینرهای حمل بار، شاسی و یدک - کش را در سطح جهانی به اجاره واگذار می‌کند و قبل از سال ۱۹۷۹ وسایلی از این نوع را به شرکتهائی که در ایران فعالیت داشتند و از جمله به استارلاین و ایران اکسپرس اجاره داده بود.

فلکسی - ون اظهار می‌دارد که با دو شرکت نامبرده براساس سه نوع اجاره نامه استاندارد قرارداد منعقد کرده است، بدین شرح: قرارداد ثابت مدت، قرارداد نامحدود و ترکیبی از این دو نوع قرارداد. فلکسی - ون بمنظور نشان دادن مفاد و محتوای سه

نوع قرارداد مذکور، نسخه‌ای از هر نوع آنها را به دیوان تسلیم نمود. تعدادی شرایط مشابه در هر سه قرارداد وجود دارد. به موجب هریک از این سه نوع قرارداد، اجاره کننده از جمله موظف بود مرتباً "هرماه وجهی به میزان مورد توافق طرفین و مندرج در قرارداد به فلکسی - ون پردازد، وسایل مورد اجاره را محافظت و تعمیر و نگهداری نماید و در پایان مدت قرارداد، آنها را در محل معینی به فلکسی - ون مسترد و ارزش هر وسیله مسترد شده را به وی پرداخت نماید. چنانچه اجاره کننده در انجام هریک از تعهدات خود قصور می نمود، در آن صورت متخلف محسوب شده و فلکسی - ون حق داشت قرارداد را فسخ نماید.

تفاوت اساسی بین این قراردادها به مدت اجاره مربوط می شود. فلکسی - ون در اغلب موارد قراردادهای ثابت مدت و نامحدود را مورد استفاده قرار می داد. در قراردادهای ثابت مدت، اجاره کننده موافقت می کرد وسیله‌ای را برای مدت معینی اجاره کند و متعهد می شد که آنرا برای تمام مدت قرارداد اجاره نماید و در صورتیکه می خواست اجاره نامه را قبل از انقضای مدت فسخ کند، فقط در ازای پرداخت خسارت معینی حق فسخ قرارداد را می داشت. اجاره کننده مضافاً توافق می نمود که کلیه ریسک مفقود شدن، آسیب دیدگی، سرقت و از بین رفتن وسیله مورد اجاره را تقبل نماید و در صورتیکه مورد اجاره در مدتی که تحت اختیار و کنترل اجاره گیرنده بود، مفقود یا سرقت شده یا از بین می رفت، تعهد او در پرداخت اجاره بها ساقط نمی شد، مگر آنکه اجاره کننده (یک) اظهاریه‌ای به اجاره دهنده تسلیم می نمود مبنی بر اینکه مورد اجاره مفقود یا سرقت شده یا از بین رفته (دو) مبلغی معادل ارزش عوض مورد اجاره پرداخت می کرد و (سه) مادام که فلکسی - ون ارزش عوض مورد اجاره را دریافت نکرده، اجاره بهای متعلقه را پرداخت می نمود.

برخلاف قرارداد نوع اول، در قرارداد نوع دوم یعنی قرارداد اجاره نامحدود، حداقل

مدتی ملحوظ می شد و خود بخود بدفعات در پایان مدت مزبور برای مدت مشابهی تمدید می گردید، مگر آنکه اجاره کننده قبلاً قصد خود را مبنی بر فسخ آن به اجاره دهنده اطلاع و مورد اجاره را در محلی که در قرارداد معین شده بود برگشت می داد. همانند قراردادهای ثابت مدت، در این نوع قرارداد نیز اجاره کننده متعهد بود که تا تحقق سه شرط فوق الذکر (یعنی اعلام مفقود شدن، سرقت یا از بین رفتن مورد اجاره، پرداخت ارزش عوض مورد اجاره و پرداخت اجاره بهای متعلقه، مادام که فلکسی - ون ارزش عوض مورد اجاره را دریافت نکرده)، اجاره بهای وسایل مفقوده و مسروقه و از بین رفته را کماکان بپردازد.

فلکسی - ون اظهار می دارد که وی همچنین تعدادی قرارداد مختلط با ایران اکسپرس منعقد نموده که دارای خصوصیات هر دو نوع اول قرارداد (ثابت مدت و نامحدود) و نیز حاوی شرایطی بود که در هیچیک از دو نوع قرارداد استاندارد یافت نمی شد. در این نوع قراردادها، گرچه تاریخهای شروع و انقضای مدت اجاره مشخص می گردید، اجاره کننده مجاز بود این نوع قراردادها را در تاریخهای معینی بدون الزام به پرداخت خسارت فسخ نماید، مشروط بر آنکه قصد خود را دائر بر فسخ قرارداد با دادن اخطار قبلی ۹۰ روزه به فلکسی - ون اعلام و کلیه وسایل مورد اجاره را طبق مفاد قرارداد به فلکسی - ون مسترد می نمود. در صورت فقدان یا سرقت یا از بین رفتن وسایل، اجاره کننده می بایست مبلغی معادل ارزش وسایل آسیب دیده، بصورت درصدی از ارزش عوض آنها به فلکسی - ون پرداخت نماید که درصد مزبور به تدریج از ۱۰۳ درصد به ۶۰ درصد تقلیل می یافت. در انقضای مدت اجاره در این نوع قرارداد، اجاره بها به مدت ۱۸۰ روز و به نرخ معمول در دوره پیش از آن باید پرداخت می شد. بعد از سپری شدن این مدت ۱۸۰ روزه، چنانچه بعضی از وسایل مورد اجاره هنوز در اختیار اجاره کننده باقی می ماند، اجاره بها به مبلغ روزانه مشخصی افزایش می یافت که تا استرداد مورد اجاره به فلکسی - ون، بهمین صورت قابل پرداخت می بود.

فلکسی - ون استدلال می کند که اکثر قراردادهای مورد بحث یا راسا" توسط استارلاین یا ایران اکسپرس و یا توسط نمایندگان مجاز به نیابت از طرف آنها امضاء گردیده است. در مورد قراردادهائی که نام نماینده مجاز شرکت در آنها ذکر و یا در مورد قراردادهائی که بنام نماینده منعقد شده‌اند، فلکسی - ون اظهار می دارد که صورتحساب مربوط جهت پرداخت یا برای شخص نماینده و یا به آدرس شرکت مربوط ارسال می گردید. لیکن، مطابق اظهار فلکسی - ون، برخی قراردادهای اجاره بدون امضاء بوده و یا وی موفق به یافتن آنها نشده است. اما فلکسی - ون استدلال می نماید که با این وصف، سیستم کامپیوتری ارسال صورت حساب وی، وجود و اعتبار این نوع قراردادهای بدون امضاء یا مفقوده را تأیید کرده است. فلکسی - ون ادعا می کند که در هر صورت ایران اکسپرس و استارلاین وسایل مورد اجاره طبق قراردادهای مذکور را دریافت و مورد استفاده قرارداده‌اند و بنابراین متعهد به این قراردادها می باشند. علاوه براین، فلکسی - ون اظهار می دارد که هر دو شرکت مذکور وجه صورتحسابهائی را که طبق این قراردادها ارسال شده، پرداخت و در نتیجه معتبر بودن قراردادها را تأیید نموده‌اند.

فلکسی - ون ادعا می کند که استارلاین از اواسط سال ۱۹۷۸ و ایران اکسپرس از مارس ۱۹۷۹، اجاره ماهانه کانتینرها و وسایل را نپرداخته‌اند و فلکسی - ون وقتی با انبوه اجاره بهای معوقه مواجه و از لحاظ خسارات احتمالی وارده به وسایل یا مفقود شدن آنها نگران شد، در ژوئیه ۱۹۷۹ شخصی بنام ریچارد ماس را که تبعه آلمان غربی بود، بعنوان نماینده خود در ایران تعیین نمود تا اقدامات لازم را جهت آزاد کردن وسایل بعمل آورد. در فاصله ژوئیه ۱۹۷۹ و اکتبر ۱۹۸۱، آقای ماس موفق شد صدها قطعه از وسایل مورد اجاره استارلاین در ایران را مسترد نماید، ولی حسب ادعا در خلال این مدت، مقامات هر دو شرکت و نیز مامورین دولت ایران مانع اقدامات آقای ماس در بازیابی وسایل مورد اجاره می شدند و بویژه طبق ادعا در بهار ۱۹۸۰،

کارمندان ایران اکسپرس از ورود آقای ماس به ترمینال ایران اکسپرس در خرمشهر جلوگیری نمودند و کارمندان استارلاین و مامورین دولت ایران مانع شدند که وی از ترمینالهای استارلاین صورت برداری نماید. آقای ماس همچنین ادعا نموده که در اغلب موارد، وسایل مورد اجاره توسط مامورین دولت بطور غیرقانونی به جای دیگری انتقال یافته و برای کارهای دولتی مورد استفاده واقع می شدند. فلکسی - ون در اکتبر ۱۹۸۱ باین نتیجه رسید که انجام اقدامات بیشتر جهت بازیابی وسایل بی فایده است و بنابراین دست از تلاش برداشت.

فلکسی - ون استدلال می نماید که دولت ایران قبل از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) هر دو شرکت استارلاین و ایران اکسپرس را در کنترل خود گرفت. در مورد ایران اکسپرس، فلکسی - ون مدعی است که در فوریه ۱۹۸۰، سه مدیر منتخب دولت ایران باتفاق پاسداران انقلاب وارد دفتر مرکزی ایران اکسپرس شده و آنرا اشغال نموده و از مدیران و روسای قسمتهای شرکت خلع ید کردند و حسب ادعا بعداً دولت ایران افرادی را از وزارت راه و ترابری بعنوان مدیر شرکت منصوب نمود. علاوه براین، فلکسی - ون استدلال می کند که ایران اکسپرس در سال ۱۹۸۱ در دعوائی که در یکی از دادگاههای ایالات متحده در دست رسیدگی بود، پذیرفت که توسط دولت ایران اداره می شده است.

در مورد استارلاین، فلکسی - ون مدارکی ارائه نموده که مدعی است ثابت می کند بنیاد مستضعفان (بنیاد) که خود نیز تحت کنترل دولت ایران قرار دارد، حداقل از اوایل سال ۱۹۸۰ استارلاین را مصادره کرده و کنترل کامل آنرا بدست گرفته است. فلکسی - ون مضافاً استدلال می کند که دیوان در پرونده ریگو واگنر ایکوئیتمنت کامپنی و شرکت استارلاین ایران، حکم شماره ۳-۱۷-۲۰، صفحه ۶ (۱۵ دسامبر ۱۹۸۲/۲۴ آذرماه ۱۳۶۱) نظر داده است که استارلاین تحت کنترل دولت ایران قرار دارد.

فلکسی - ون مضافاً استدلال می کند که دولت ایران همزمان با در دست گرفتن کنترل ایران اکسپرس و استارلاین (یعنی حداقل از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ - ۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) موجب شد که شرکتهای نامبرده قراردادهای خود با فلسکی - ون را نقض و از اجرای آنها امتناع کرده، بدانوسیله از حقوق قراردادی فلکسی - ون سلب مالکیت نمایند. در مورد ایران اکسپرس، فلکسی - ون مدعی است که شرکت مزبور علاوه بر اینکه اجاره بها را نپرداخته و مانع کوششهای آقای ماس در بازیابی وسایل گردیده، وسایل مورد اجاره را نیز در انقضای مدت قراردادهای اجاره به فلکسی - ون مسترد ننموده است. بعلاوه، فلکسی - ون تلکسی به تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۰ (دوم اسفندماه ۱۳۵۸) که از طرف یوترویک کورپوریشن به سازمان بنادر و کشتیرانی وزارت راه و ترابری ارسال شده، به دیوان تسلیم نموده است. یوترویک کورپوریشن در این تلکس اظهار می دارد که "موکل ما ایران اکسپرس لاینز، شرکت وابسته ما، شرکت ایران اکسپرس ترمینال و موجرین کانتینرهای ما درخواست کرده اند" از شما بخواهیم بعضی قطعات تجهیزات را آزاد کنید و اگر این اقدام بعمل نیاید، "ناچار خواهیم بود اقدامات و ترک فعل شما را به منزله تصرف غیرقانونی و کنترل من غیرحق نسبت به [تجهیزات] تلقی نمائیم".

در مورد استارلاین نیز فلکسی - ون استدلال می کند که شرکت مزبور اجاره بها را نپرداخته، مانع اقدامات و کوششهای آقای ماس در بازیابی وسایل شده و در مواردی که اجاره منقضی شده بوده، وسایل مورد اجاره را مسترد ننموده است. علاوه بر این، فلکسی - ون متن پیامی را که دارای تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۸۰ (۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۸) و خطاب به استارلاین بود، تسلیم کرده است. در این پیام اظهار شده که استارلاین به کوششهای فلکسی - ون جهت استرداد تجهیزات ترتیب اثر نداده است. در خاتمه پیام اخطار شده که فلکسی - ون با هر وسیله ای که در اختیار دارد به کوششهای خود برای بازیابی تجهیزات ادامه خواهد داد.

فلکسی - ون استدلال می کند که بابت حقوق سلب مالکیت شده قراردادیش و منجمله حسابهای دریافتنی تا ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸)، اجاره بهای آتی که تا تاریخ جلسه استماع این پرونده (۱۶-۱۳ سپتامبر ۱۹۸۳/۲۲ تا ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۲) محاسبه نموده و قیمت جایگزینی وسایل مسترد نشده و هزینه تعمیر و بازیابی وسایل، مستحق دریافت غرامت می باشد. ادعای فلکسی - ون شامل اقلام زیر است:

حسابهای دریافتنی در تاریخ ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸):

| | | |
|-------|-----------|--------------|
| دلار | ۳,۱۶۴,۷۶۶ | استارلین |
| دلار | ۴۰۷,۹۶۶ | ایران اکسپرس |
| <hr/> | | |
| دلار | ۳,۵۷۲,۷۳۲ | |

اجاره بهای پرداخت نشده بابت مدت اول مارس ۱۹۸۰ تا ۳۱ اوت ۱۹۸۳ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸ تا ۹ شهریور ۱۳۶۲):

| | | |
|-------|-----------|--------------|
| دلار | ۲۶۱,۶۲۹ | استارلین |
| دلار | ۱,۶۶۳,۰۴۰ | ایران اکسپرس |
| <hr/> | | |
| دلار | ۱,۹۲۵,۰۶۹ | |

قیمت جایگزینی وسایل مسترد نشده:

| | | |
|-------|-----------|--------------|
| دلار | ۵۶۵,۸۱۰ | استارلین |
| دلار | ۱,۷۷۰,۷۴۱ | ایران اکسپرس |
| <hr/> | | |
| دلار | ۲,۴۰۶,۳۹۱ | |

هزینه تعمیر و بازیابی وسایل: دلار ۷۴۲،۸۸۸

جمع دلار ۸،۶۴۷،۱۱۰

تقلیل ارزش وسایل به نرخ ۱۲ درصد در سال از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) تاکنون

دلار ۷،۶۷۰،۶۸۱

بهره به نرخ ۱۲ درصد در سال تا ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۸۵)

دلار ۳۹۵،۲۷۶

بهره به نرخ فوق از اول مارس ۱۹۸۰ الی اول مارس ۱۹۸۵ (۱۰ اسفندماه ۱۳۸۵ تا ۱۰ اسفند ۶۳)

دلار ۴،۶۰۲،۴۰۸

جمع کل ادعا دلار ۱۲،۹۸۰،۶۸۹ (۱)

بطوریکه در فوق ذکر شده، فلکسی - ون ادعای خود را بطرق دیگری نیز مطرح کرده، می‌گوید که ادعایش بر سه مبنای دیگر نیز قابل اثبات است، بدین شرح: مداخله در روابط قراردادی، نقض قرارداد و دارا شدن بلاجهت. فلکسی - ون اظهار می‌دارد که طرح ادعا به هر سه صورت، منجر به اعطای حکم به همان مبلغی می‌گردد که در ادعای سلب مالکیت آمده، بجز اینکه بر مبنای دارا شدن بلاجهت، فلکسی - ون خواستار جبران هزینه های بازیابی وسایل و تعمیر آنها نمی‌باشد.

(۱) علاوه بر این، فلکسی - ون خواستار بهره از اول مارس ۱۹۸۵ (۱۰ اسفندماه ۱۳۶۴) تا تاریخ اجرای حکم به مبلغ ۷۶،۷۰۷ دلار در ماه می‌باشد.

فلکسی - ون اظهار می دارد که طی دستورهای مورخ ۷ ژانویه ۱۹۸۳ (۱۷ دیماه ۱۳۶۱) و ۱۸ آوریل ۱۹۸۳ (۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۲) دیوان (۱) از فلکسی - ون خواست که گزارش آرتور اندرسن اند کو. را تسلیم نماید. این شرکت یک موسسه حسابرسی مستقل است و در گزارش آن، مدارک حجیم موجود در اثبات ادعای فلکسی - ون تلخیص شده و محاسبات فلکسی - ون و مبالغ قابل پرداخت مورد ارزیابی قرار گرفته است. (۲) به خواننده اجازه داد که قراردادهای اجاره و سایر مدارک مربوط را در دفتر مرکزی فلکسی - ون در ایالات متحده مورد بازرسی قرار دهد و (۳) به خواننده اجازه داد که قبل از جلسه استماع، نظر خود را در مورد گزارش آرتور اندرسن ثبت نماید. فلکسی - ون استدلال می کند که خواننده نه مدارک یاد شده را مورد بازرسی قرارداد و نه درخواست کرد که فرصت انجام بازرسی آنها بوی داده شود. علاوه براین، فلکسی - ون استدلال می کند که خواننده تا جلسه استماع، راجع به گزارش آرتور اندرسن اظهار نظری نکرد. براین اساس، فلکسی - ون مدعی است که خواننده نمی تواند صحت محاسبات وی را مورد تردید قرار دهد.

بالاخره، فلکسی - ون اعتراف می کند که بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹)، بابت جبران قسمتی از زیان حاصله بعلت مفقود شدن وسایل مورد اجاره به استارلاین، مبلغ ۹۰۰،۰۰۰/- دلار از شرکت بیمه خود دریافت کرده، لیکن اظهار می دارد که شرکت بیمه مورد بحث، قائم مقام وی نسبت به مبلغ هر حکمی است که در این پرونده صادر شود. بنابراین، فلکسی - ون استدلال می کند که مبلغ دریافتی وی از شرکت بیمه نباید از مبلغ مورد مطالبه اش از دولت ایران کسر شود.

دولت ایران انکار می کند که کنترل استارلاین یا ایران اکسپرس را بدست گرفته و در مقابل ادعای فلکسی - ون مسئولیتی داشته باشد و مدعی است که فلکسی - ون ثابت نکرده که اولاً مالک وسائل مورد بحث بوده و ثانیاً دو شرکت نامبرده در مورد این

وسایل با وی قرارداد اجاره منعقد نموده‌اند. در مورد استارلاین، دولت ایران اظهار می‌دارد که این شرکت صرفاً یک شرکت خدماتی بوده که به کشتی‌های وارد شده به بنادر ایران خدمات گوناگونی ارائه می‌داده و نوع فعالیت آن مستلزم اجاره کانتینر حمل بار و سایر وسایل نقل و انتقال بار نبوده است و بنابراین شرکت مذکور هیچ دلیلی برای عقد قرارداد اجاره چنین وسایلی نداشته است. در مواردی که کانتینرهائی از کشتی‌هائی در ایران تخلیه می‌شد که استارلاین به آنها سرویس می‌داده کانتینرهای مزبور همواره تحت اجاره دیگران بوده و پس از تخلیه بارشان، به کشتی مربوط عودت داده شده‌اند. حتی اگر دولت ایران دو شرکت نامبرده را صادره‌نموده‌بود، فقط موقعیت سهامداران دستخوش تغییر می‌شد و نه شخصیت حقوقی شرکتها و این اشخاص حقوقی خود متعهد دیون و تعهدات خویش می‌بودند، نه دولت ایران. بنابه‌دلایل فوق، دولت ایران انکار می‌کند که حقوق قراردادی فلکسی - ون را سلب یادر روابط قراردادی مورد بحث مداخله کرده‌ویا موجب شده که هریک از آنها قرارداد خود با فلکسی - ون را نقض نمایند.

در مورد استدلال فلکسی - ون راجع به دارا شدن بلاجهت، دولت ایران انکار می‌کند که اصولاً دارا شده باشد و بویژه اظهار می‌دارد که با وسایلی که فلکسی - ون بجای گذاشته، دارا نشده است. دولت ایران به این جمله مندرج در شهادتنامه آقای ماس، نماینده فلکسی - ون در ایران از ژوئیه تا اکتبر ۱۹۸۱ اشاره می‌کند که می‌گوید: "من وضع یکایک کانتینرها را یادداشت و به فلکسی - ون توصیه می‌نمودم کدامیک از تجهیزات را سعی کنند مسترد نمایند". دولت ایران اظهار می‌دارد که جمله مذکور نظر آن دولت را تأیید می‌کند که فلکسی - ون از طریق نماینده خود کانتینرهای نو و سالم را از کانتینرهای فرسوده و کهنه و مستعمل جدا و سپس دسته اول را از ایران خارج نموده و دسته دوم را بجای گذاشته است. دولت ایران مضافاً اظهار می‌دارد که فلکسی - ون می‌تواند ۱۴۹ کانتینر را از استارلاین پس بگیرد، مشروط بر اینکه دولت ایران را در برابر ادعاهای اشخاص ثالث بری الذمه نماید و هزینه انتقال آنها را متقبل

شود و خسارات و هزینه هائی را که حسب ادعا استارلاین در نگهداری کانتینرها متحمل شده، به وی بپردازد. در رابطه با ایران اکسپرس، دولت ایران استدلال می کند که کلیه اموال آن شرکت در حملات ارتش عراق به بندر خرمشهر که از سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد، از بین رفته است. بدینترتیب، دولت ایران مدعی است که وی نه دارا شده و نه مسئول فقدان تجهیزات و وسایلی که احتمالا متعلق به فلکسی - ون بوده، می باشد.

دولت ایران همچنین صحت و بیطرفی گزارش آرتور اندرسن را مورد تردید می داند و استدلال می کند که بهرحال هرگونه زیان احتمالی فلکسی - ون با وجهی که وی از شرکت بیمه دریافت نموده، جبران گردیده و بنابراین اگر هم فلکسی - ون استحقاق دریافت وجهی را داشته باشد، وجه دریافتی وی از شرکت بیمه باید از آن کسر گردد.

هریک از طرفین خواستار جبران هزینه های داوری شده اند.

۳ - موضوعات شکلی

در تاریخ اول ژوئن ۱۹۸۴ (۱۱ خردادماه ۱۳۶۳)، دولت ایران لایحه ای تحت عنوان "تقاضای رد دعاوی تکراری مربوط به کانتینرها و یا ادغام پرونده ۳۶ در پرونده ۳۸۱" ثبت و بویژه درخواست نمود که "دعاوی مربوط به کانتینرها مخصوصا" دو دعوی ۳۶ و ۳۸۱ در یکدیگر ادغام و یکجا مورد رسیدگی قرار گیرند". و در صورتی که با این درخواست موافقت نشود، دولت تقاضا نمود "آن قسمت از پرونده ۳۶ (یعنی دعاوی مربوط به کانتینرهائی که حسب ادعا نزد ایران اکسپرس لاینز باقیمانده) که عینا" در پرونده ۳۸۱ نیز تکرار شده، رد گردد". فلکسی - ون با درخواستهای مذکور مخالفت و استدلال نمود که تلفیق پرونده ها ضروری نیست، زیرا خواهانهای پرونده ۳۸۱ که در این پرونده طرف دعوا نیستند اظهار داشته اند که هر مبلغی که در پرونده ۳۶ بنفع

فلکسی - ون مورد حکم واقع شود، عیناً از ادعای مشابه در پرونده ۳۸۱ کسر خواهد شد و بعلاوه ارجاع پرونده به شعبه یک دیوان، این امکان را که صدور حکمی موجب اعلام مسئولیت مضاعف شود، از بین می برد.

در رابطه با موضوع ادله، دولت ایران درخواست نمود به فلکسی - ون دستور داده شود که اصل فارسی گواهینامه ادعائی سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) وزارت راه و ترابری درباره فعالیت استارلاین را تسلیم دیوان نماید و در غیراینصورت، مدرک مزبور از عداد ادله خارج گردد. دولت ایران همچنین درخواست نمود که فلکسی - ون مدارک مربوط به کل مبلغی را که می گوید از شرکت بیمه دریافت نموده، بدیوان تسلیم نماید.

دولت ایران در لایحه بعد از استماع خود نیز چندین درخواست درباره ارائه مدارک مربوط به ادعای فلکسی - ون مطرح و از جمله تقاضا نمود که دیوان به فلکسی - ون دستور دهد که کلیه قراردادهای اجاره و نمایندگی مربوط به ادعای خود را که بنحو مقرامضاه شده باشد، به دیوان تسلیم کند و چنانچه نکرد، ادعاهای مربوط به آنها مردود شناخته شوند. همچنین صورتحسابهای ماهانه‌ای که حسب ادعا برای استارلاین و ایران اکسپرس ارسال شده، گزارشهای باصطلاح "راکد" و "داشر"، رسیدهای تحویل کانتینرهای دریافتی توسط دو شرکت نامبرده، مدارک مربوط به هزینه های بازیابی و جایگزینی، ترازنامه های فلکسی - ون برای سالهای ۱۹۷۷ الی ۱۹۸۲ با ضامم و ملحقات آنها و رونوشت رسید پرداختهای مندرج در دفتر کل و فتوکپی دفاتر کل فلکسی - ون و یوترویک کورپوریشن (یکی از خواهانهای پرونده ۳۸۱) که نشان دهنده ارقام ثبت شده مربوط به فلکسی - ون در حسابهای یوترویک باشد و نیز گزارشهای مالی تأیید شده یوترویک در این رابطه، از جمله مدارک مورد درخواست دولت ایران است.

فلکسی - ون تقاضا کرده که کلیه درخواستهای دولت ایران برای ارائه این مدارک مردود اعلام گردد و استدلال نموده که براساس روشهای مقرر توسط دیوان در مورد تسلیم مدارک فلکسی - ون و بررسی و بازرسی آنها توسط خواننده و نیز با توجه به اینکه خواننده از فرصتی که جهت بازرسی مدارک پایه فلکسی - ون به وی داده شده استفاده بعمل نیاورده، فلکسی - ون نباید ملزم به ارائه مدارک بیشتری گردد.

فلکسی - ون درخواست نموده که دیوان نباید مدارک منضم به لایحه پس از استماع خواننده را مورد توجه قرار دهد و مدعی است که تسلیم مدارک مزبور با اجازه دیوان نبوده و با توجه به رویه و قواعد دیوان، توجه به مدارک مزبور غیرمنصفانه و غیرقابل توجه خواهد بود. دولت ایران درباره این درخواست فلکسی - ون اظهار نظری ننموده است.

دوم - دلایل

۱ - موضوعات شکلی

الف - درخواستهای مربوط به پرونده شماره ۳۸۱

در رابطه با درخواست دولت ایران در مورد تلفیق پرونده های ۳۶ و ۳۸۱ و یا "رد آن قسمت از ادعاها در پرونده ۳۶ ... که عیناً در پرونده ۳۸۱ تکرار شده اند"، دیوان خاطر نشان می سازد که پرونده ۳۸۱ در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۸۳ (۲۰ آبان ماه ۱۳۶۲) به درخواست دولت ایران به شعبه یک منتقل گردید و در نتیجه، بهر حال هر دو پرونده نامبرده در این شعبه تحت رسیدگی است. به این علت و نیز به علت رد ادعاهای فلکسی - ون در حکم حاضر، دیوان لزومی نمی بیند که در رابطه با درخواستهای دولت ایران

راجع به تلفیق یا رد ادعاها اقدام دیگری بعمل آورد.

ب - درخواست ارائه مدارک

دیوان لزومی نمی بیند که خواهان را ملزم به ارائه مدارک بیشتری نماید، زیرا بر اساس مدارک موجود می تواند مبنائی برای اتخاذ تصمیم در پرونده حاضر بدست دهد.

ج - درخواست رد برخی مدارک

دیوان کلیه مدارک تسلیمی در جریان داوری حاضر را می پذیرد، زیرا هیچیک از آنها آنچنان نبوده که موجب تضييع حقی گردد.

۲ - صلاحیت

بر اساس مدارک تسلیمی خواهان، دیوان متقاعد شده است که نامبرده به مفهوم مندرج در بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی و طبق ضوابط مقرر در پرونده شماره ۳۶ فلکسی - ون لیسینگ اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران (دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲/۲۹ آذرماه ۱۳۶۱) و پرونده شماره ۹۴ جنرال موتورز کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران (دستور مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۳/اول بهمن ماه ۱۳۶۱) تبعه ایالات متحده می باشد. همچنین رجوع شود به پرونده شماره الف - ۲۰، تصمیم شماره - الف ۲۰-۴۵ دیوان عمومی (۱۰ ژوئیه ۱۹۸۶/۱۹ تیرماه ۱۳۶۵). دولت جمهوری اسلامی ایران نیز طرفی است که طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارد.

سوم - ماهیت

الف - ادعاها

در جلسه استماع، خواهان توضیحاتی درباره مبنای ادعای خود ارائه داد،^(۲) و طی یک اظهاریه کتبی که تسلیم نمود اظهار داشت که (۱) حدوداً قبل از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) دولت کنترل استارلاین و ایران اکسپرس را بدست گرفته، موجب شد شرکتهای فوق قراردادهای خود با فلکسی - ون را نقض و از اجرای آنها امتناع کنند و بدانوسیله از حقوق قراردادی فلکسی - ون، منجمله حق دریافت حسابهای دریافتی و اجاره بهای آتی و همچنین از حق وی نسبت به اعاده و استرداد تجهیزات مورد اجاره سلب مالکیت نموده است. خواهان در همان اظهاریه، نظرات دیگری ارائه و استدلال کرد که (۲) دولت از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) از پرداخت مبالغی که به موجب اجاره بها لازم التادیه بوده و نیز از اعاده تجهیزات جلوگیری نمود، (۳) دولت مسئول نقض و امتناع از اجرای قراردادها توسط واحدهای تحت کنترل خود، استارلاین و ایران اکسپرس می باشد، و بالاخره اینکه (۴) دولت با تصرف و استفاده از تجهیزات فلکسی - ون، بلاجهت دارا شده است. بدینسان، خواهان عمدتاً ارزش حقوق قراردادیش را که حسب ادعا از او سلب مالکیت شده، از دولت مطالبه می نماید.

دیوان بدواً خاطر نشان می سازد که طرفهای ایرانی اجاره نامه های ادعائی، یعنی استارلاین و ایران اکسپرس در پرونده حاضر طرف دعوی نیستند. مع هذا، دیوان لازم نمی بیند به موضوع وجود قراردادهای اجاره ویژه فیما بین خواهان و دو شرکت ایرانی فوق

(۲) خواهان طی لایحه بعد از استماع خود که پاسخ کتبی بدان داده نشده، قصد داشت ماهیت مبانی ادعای خود را اصلاح نماید که چنین اصلاحی جایز نیست.

بپردازد. لکن دیوان ضمن بررسی ماهیت ادعاهائی که علیه دولت اقامه شده، چنین فرض کرده که بعضی روابط قراردادی بین خواهان و دو شرکت ایرانی مزبور وجود داشته است. معهذا، دیوان در مورد وجود و اعتبار یکایک هزاران اجاره‌نامه ادعائی، اظهارنظر بخصوصی نمی‌کند.

ب - ادعای سلب مالکیت

الف الف) قراردادهای استارلاین

فلکسی - ون استدلال می‌کند که دولت قبل از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) کنترل استارلاین را بدست گرفت. در این رابطه، فلکسی - ون نسخه‌ای از حکم مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۸ آذرماه ۱۳۵۸) دادگاه انقلاب اسلامی خرمشهر و آبادان را تسلیم کرده که به موجب آن، دادگاه مزبور "حکم به صادره شرکت استارلاین داده و اداره آن را موقتاً به بنیاد مستضعفان آبادان سپرده است". در پاسخ به این موضوع، دولت نامه مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۰ (اول بهمن ماه ۱۳۵۸) را تسلیم کرد که طی آن دادستانی کل انقلاب اسلامی به بنیاد اطلاع داده که "از شرکت (استارلاین) و اموال آن رفع توقیف و صادره می‌گردد". معهذا، فلکسی - ون بعداً "نامه‌ای به تاریخ ۳ فوریه ۱۹۸۰ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۸) از دادستان انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر مبنی بر نسخ نامه (دادستانی کل) تسلیم نمود که به عنوان شعبه بنیاد در تهران نوشته شده و رونوشت آن به شعبه آبادان ارسال گردیده و طی آن حکمی بشرح زیر صادر شده است: "باتوجه به مفاد نامه دادستانی، حکم دادگاه انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر در مورد صادره شرکت استارلاین بقوت خود باقی است و باید مطابق آن حکم عمل گردد".

دولت منکر آنست که استارلاین را ضبط و توقیف و یا آنرا تحت کنترل بنیاد قرارداده، و

یا به نحوی از انحاء در حقوق قراردادی خواهان مداخله نموده است. خواهان علاوه بر ادله کتبی مشروحه فوق، سوگندنامه ای از ریچارد ماس که جهت استرداد کانتینرهای باقیمانده خواهان در ایران استخدام شده بود، تسلیم کرد. نامبرده طی سوگندنامه خود اظهار داشت که در اوائل سال ۱۹۸۰ مطلع شد که دادگاه انقلاب حکمی مبنی بر توقیف استارلین و قراردادن آن در کنترل بنیاد صادر کرده و درفاصله بین ژانویه ۱۹۸۰ و سپتامبر ۱۹۸۱ بنیاد متوالیا^۶ سه نماینده جهت نظارت بر عملیات شرکت تعیین نمود و برای وی کاملاً معلوم بود که کلیه تصمیمات مهم در استارلین می‌بایستی توسط نمایندگان بنیاد اتخاذ گردد. آقای ماس اظهار داشت که در جریان تلاش‌های خود برای استرداد وسایل، با هر سه نماینده بنیاد و همچنین با کمیته کارگران که در استارلین تشکیل شده بود، درارتباط بود. طبق گفته وی، کمیته مزبور هیچ اختیاری برای تصمیم‌گیری نداشت، بلکه «هرکلمه‌ای که آنها می‌گفتند، می‌بایستی توسط [بنیاد] تأیید گردد». وی افزود که کارکنان شرکت و مقامات دولتی مانع می‌شدند که وی از وسایل صورت برداری کند و بعد از آنکه استارلین تحت کنترل دولت درآمد، استرداد و اعاده تجهیزات فلکسی - ون با مشکلات بیشتری مواجه شد و تجهیزات از ترمینال‌ها منتقل و برای مقاصد دیگری به کار گرفته می‌شد. اظهارات آقای ماس ظاهراً مبین روابط کلی است که از سال ۱۹۸۰ بین استارلین و بنیاد وجود داشته است.

خواهان نامه‌ای بتاريخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۰ (۸ تیرماه ۱۳۵۹) تسلیم نموده که طی آن «شرکت استارلین ایران وابسته به بنیاد مستضعفان» اعلام کرده که تعدادی کانتینر باید به آقای ماس نماینده فلکسی - ون تحویل گردد. بنیاد طی نامه ای به تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۸۱ (۷ اردیبهشت ۱۳۶۰) از استارلین تقاضا کرد تعدادی کانتینر به آقای ماس تحویل دهد. ولی دیوان مشاهده می‌کند که تاریخ نامه دوم، بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) که از لحاظ پرونده حاضر حائز اهمیت است می‌باشد.

ادله فوق ثابت می کند که قبل از فوریه ۱۹۸۰ استارلاین "مصادره" و "دراختیار بنیاد قرار داده شد". (۳) در حالیکه در این پرونده لازم نیست تعیین شود که آیا این اقدامات آنطور که سایر شعب قبلا" نظر داده اند (۴) موجب شده است که استارلاین طبق مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تحت کنترل دولت ایران قرار گیرد یا خیر، ولی ظاهرا" واضح است که استارلاین از طریق بنیاد تحت کنترل دولت قرار گرفت. تجربه حاصله از سایر پرونده های مشابه مبین این احتمال است که تمام یا اکثریت سهام استارلاین مصادره و به بنیاد منتقل گردیده است. بهر تقدیر، استارلاین یک شخصیت حقوقی جداگانه باقی ماند و یقینا" به یک اداره یا ارگان دولتی تبدیل نشد. ولی آنچه مدارک پرونده حاضر نشان نمی دهد، عبارت است از: شکل و جزئیات این قبیل کنترل، و اینکه چنین کنترلی به فرض وجود، تا چه حد بمنزله مداخله در مدیریت استارلاین و تصمیمات تجاری آن بوده و یا چه عواقب و نتایجی در ارتباط با قراردادهای شرکت داشته است.

ادله تسلیمی حتی برای اثبات مداخله دولت، بصورتی که بتوان آنرا سلب مالکیت از حقوق قراردادی محسوب نمود، کفایت نمی کند. دیوان در پرونده تیبیتس اعلام کرد که "بدست گرفتن کنترل اموال توسط دولت، خود بخود بلافاصله این نتیجه گیری را که دولت

(۳) دیوان در پرونده هایت اینترنشنال کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره ۱-۱۳۴-۵۴، صفحه ۳۱ (۱۷ سپتامبر ۱۹۸۵/۲۶ شهریورماه ۱۳۶۴) چنین نظر داده که بنیاد طبق مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی یک سازمان تحت کنترل دولت ایران است.

(۴) ریگو واگنر اکویپمنت کامینی و شرکت استارلاین ایران، حکم شماره ۳-۱۷-۲۰، صفحه ۶ (۱۵ سپتامبر ۱۹۸۲/۲۴ شهریورماه ۱۳۶۱)، که در 1 Iran-U.S. C.T.R. 411، حکم شماره 413 به طبع رسید. سیکو، اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۲۶-۶۱ پاراگراف ۱۷ (۲۰ ژوئن ۱۹۸۶/۳۰ خردادماه ۱۳۶۵).

آن اموال را ضبط کرده، و بنابراین طبق حقوق بین الملل مستلزم پرداخت غرامت است، توجیه نمی‌کند... (۵) در پرونده حاضر، اموالی که خواهان باید مداخله دولت در آن را اثبات کند تا ادعایش دائر بر سلب مالکیت به نتیجه برسد، حقوق فلکسی - ون نسبت به قراردادهای اجاره است. صرف این واقعیت که دولت از طریق بنیاد، استارلاین را کنترل نموده، سلب مالکیت از حقوق خواهان نسبت به قراردادهای اجاره با استارلاین را شامل نمی‌گردد. فقط در موردی که در خود حقوق قراردادی مداخله‌ای صورت گرفته باشد، می‌توان گفت که از حقوق قراردادی خواهان سلب مالکیت شده و شرط اساسی چنین اظهار نظری اینست که چنین مداخله‌ای قابل انتساب به دولت باشد. (۶)

خواهان ادعا نمی‌کند که خود دولت در حقوق قراردادی وی مداخله کرده، بلکه می‌گوید دولت اینکار را از طریق بنیاد انجام داده است. برای اینکه این امر موجب ادعای سلب مالکیت شود، لازم است در مواردیکه استارلاین اجاره بها را نپرداخته و یا تجهیزات مورد اجاره را به خواهان مسترد نکرده، از زمان قرار گرفتن در کنترل بنیاد، طبق دستورالعمل‌ها، توصیه‌ها یا دستورات بنیاد یا دولت عمل کرده باشد. (۷) حتی اگر آنطور که آقای ماس می‌گوید، نمایندگان بنیاد مستقیماً در تصمیمات مربوط به عدم اعاده کانتینرها به خواهان دخالت داشته‌اند، این امر نوعی مداخله دولت که در حکم

(۵) تیپس، ایت، مک کارتی، استراتن، و شرکت مهندسی مشاور تامز- آفا ایران، حکم شماره ۲-۷-۱۴۱، صفحه ۱۱ (۲۹ ژوئن ۸/۱۹۸۴ تیرماه ۱۳۶۳) که در Iran-U.S. C.T.R. 219, 225 6 به طبع رسیده است.

(۶) اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶، صفحه ۴۶ (۲۸ اکتبر ۶/۱۹۸۵ آبان ماه ۱۳۶۴).

(۷) رجوع کنید به شرینگ کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۸-۱۲۲، صفحه ۱۷ (۱۶ آوریل ۲۷/۱۹۸۴ فروردین ماه ۱۳۶۳) که در Iran-U.S. C.T.R. 361, 370 5 به طبع رسیده است.

سلب مالکیت از حقوق قراردادی فلکسی - ون باشد، محسوب نمی گردد. قبل از آنکه استارلین تحت کنترل دولت درآید، از پرداخت اجاره بها و اعاده کانتینرهای موضوع قراردادهای مورد بحث قصور ورزیده بود، و بعد از آنکه به تصرف بیناد درآمد نیز همچنان به امتناع از پرداخت اجاره بها و اعاده کانتینرها ادامه داد. ادله توصیف شده ثابت نمی کند که این امر به دستور دولت انجام گرفته باشد. بنابراین، دیوان نمی تواند نظر دهد که مداخله ای در حقوق قراردادی خواهان نسبت به استارلین صورت گرفته، بطوریکه بتوان دولت را مسئول سلب مالکیت از حقوق مزبور دانست.

ب ب - قرارداد های ایران اکسپرس

فلکسی - ون همچنین استدلال می کند که دولت قبل از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) کنترل ایران اکسپرس را در دست گرفت، و در اثبات این ادعا، سوگندنامه رابرت اچ. یوترویک را تسلیم کرد، دائر بر اینکه در فوریه ۱۹۸۰ ایران اکسپرس تحت کنترل دولت درآمد. آقای یوترویک اظهار می دارد که از زمان تاسیس شرکت در سال ۱۹۷۴ تا اواخر فوریه یا اوائل مارس ۱۹۸۰ که اعضای ایرانی هیئت مدیره ایران اکسپرس به وی و سایر اعضای غیرایرانی هیئت مدیره اطلاع دادند که سه مدیر منصوب دولت همراه پاسداران انقلاب به دفتر ایران اکسپرس در تهران وارد شده، آنرا اشغال و از مدیران و روسای شرکت خلع ید کرده اند، سهامدار و معاون مدیر عامل ایران اکسپرس بود. آقای ماس در سوگندنامه خود توضیح داده است که مدیران جدید منصوب دولت، مقامات وزارت راه و ترابری بودند. آقای یوترویک و آقای ماس هر دو تأیید کرده اند که یکی از اعضای جدیداً منصوب شده، آقای سید محمود شمس بود. در واقع آقای شمس به عنوان "مدیر موقت" ایران اکسپرس، تلکسی به تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۴ تیرماه ۱۳۶۱) خطاب به وکیلی در دعوی مطروح در ایالات متحده را امضاء کرده است. دولت تصدیق می کند که وزارت راه و ترابری آقای شمس را برای مدت

کوتاهی به عنوان "متصدی امور اداری" به منظور بررسی وضع ایران اکسپرس منصوب نمود، ولی بنا به اظهار دولت، نامبرده بعداً از این کار دست کشید، و نه وزارتخانه فوق و نه هیچ واحد دولتی دیگری بر ایران اکسپرس، که بصورت شرکت غیرفعال در آمده بود، کنترل و نظارتی نداشت.

همانطوریکه تلکس فوق نشان می دهد، حداقل تا ژوئیه ۱۹۸۲، آقای شمس ایران اکسپرس را اداره می کرد. لکن جای تردید است که وظیفه وی صرفاً بررسی وضع یک شرکت باصطلاح "غیرفعال" بوده باشد. بالعکس، مدارک دیگر موجود در دیوان حاکی است که نامبرده ایران اکسپرس را که واقعاً تحت کنترل دولت قرار گرفته بود، اداره می نمود. فی المثل، وزارت فوق در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آبانماه ۱۳۶۰) طی تلکسی درباره مذاکرات مصالحه با یوترویک کورپوریشن اظهار داشت که ایران اکسپرس تحت اداره دولت است.

بر اساس این ادله، دیوان متقاعد شده است که از اوایل سال ۱۹۸۰ ایران اکسپرس تحت کنترل دولت قرار گرفت. (۸) لکن، همانطوریکه در مورد استارلاین اظهار شد، آنچه ادله مزبور روشن نمی سازد، نوع و حدود کنترلی است که اعمال می شده و به ویژه تأثیری است که این کنترل در قراردادهای فیما بین ایران اکسپرس یا خواهان داشته است. دولت منکر آن است که در روابط قراردادی بین ایران اکسپرس و خواهان مداخله کرده است. فلکسی - ون در تائید ادعای خود دو ادله تسلیم نموده است. اول اینکه

(۸) نظیر مورد استارلاین، لازم نیست تعیین شود که آیا مدارک این پرونده اثبات می کند که ایران اکسپرس، طبق مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، یک واحد تحت کنترل دولت می باشد یاخیر. دیوان در پرونده سیکو، اینک، (پاراگراف ۱۸ ماخذ قبلی) بهمین نحو اعلام نظر نمود.

آقای ماس در سوگندنامه خود اظهار داشته که در بهار سال ۱۹۸۰ کارمندان ایران اکسپرس از ورود وی به ترمینال ایران اکسپرس در خرمشهر بمنظور صورت برداری از وسایل، جلوگیری بعمل آوردند. دوم اینکه فلکسی - ون تلکس مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۰ (دوم اسفندماه ۱۳۵۸) را که توسط یوترویک کورپوریشن به سازمان بنادر و کشتیرانی وابسته به وزارت راه و ترابری ارسال شده بود، تسلیم کرد. در این تلکس از طرف ایران اکسپرس و سایرین آزاد شدن قطعات معینی از تجهیزات تقاضا و اظهار شده که عدم انجام این کار به این نتیجه گیری خواهد انجامید که سازمان بنادر و کشتیرانی من غیرحق کنترل تجهیزات را در اختیار گرفته است. نه سوگندنامه آقای ماس و نه تلکس مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۰ (دوم اسفندماه ۱۳۵۸) هیچیک ثابت نمی کند که دولت بنحوی آنچنان غیرمنطقی در حقوق قراردادی فلکسی - ون دخالت کرده که بتوان آنرا سلب مالکیت محسوب نمود. بنابراین، دیوان باید ادعای سلب مالکیت مطروح توسط فلکسی - ون علیه ایران اکسپرس را مردود شناسد.

ج - مداخله در روابط قراردادی

خواهان بنحو دیگری نیز استدلال کرده، می گوید بدلیل آنکه دولت حدوداً از ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) با جلوگیری از پرداخت وجوه لازم التادیه به موجب اجاره نامه ها و نیز اعاده تجهیزات، در روابط قراردادی خواهان دخالت نموده، لذا ادعایش قابل تائید و اثبات است. در این مورد نیز ادله قانع کننده ای در تائید این شکلهای نسبتاً خاص مداخله نمی توان یافت. هرچند استارلین و ایران اکسپرس واحدهای تحت کنترل دولت هستند، ولی باید چنین فرض کرد که چون در فعالیتهای روزمره خود از آزادی عمل قابل ملاحظه ای برخوردارند، لذا درباره معاملات تجاری خود راساً تصمیم می گیرند، مگر آنکه مدرکی خلاف آن وجود داشته باشد. بعلاوه، جای تعجب می بود اگر نگرانی عمده دولت جدید انقلابی سرنوشت کانتینرها می بود. بالعکس، در پرونده

فورموست دیوان نظر داد که مدارک موعد آنست که در یک شرکت تحت کنترل، یعنی لبنیات پاک، "ممانعت و جلوگیری از پرداخت سود سهام اعلام شده طی دو سال متوالی"، مداخله خاصی است که قابل انتساب به دولت می باشد. (۹)

بر این اساس، این ادعای تخییری را نیز باید مردود شناخت.

د - نقض قرارداد

فلکسی - ون ادعای خود را بنحو دیگری نیز مطرح و ادعا می کند که دولت مسئول نقض و امتناع از اجرای قراردادهای اجاره توسط واحدهای تحت کنترل خود، یعنی استارلین و ایران اکسپرس می باشد. همانطوریکه قبلاً" خاطر نشان گردید، هرچند هر دو شرکت تحت کنترل دولت قرار گرفتند، ولی همچنان بصورت واحدهای جداگانه باقی ماندند. اختلافی در این مورد نیست که هر دو شرکت استارلین و ایران اکسپرس، حتی قبل از فوریه ۱۹۸۰ که تحت کنترل دولت قرار گرفتند، پرداخت اجاره بها را متوقف و از استرداد تجهیزات خودداری می کردند.

دولت بعد از آنکه در اوائل سال ۱۹۸۰ کنترل استارلین و ایران اکسپرس را بشرح فوق در دست گرفت، فقط مسئول خسارات ناشی از نقض قراردادهای اجاره خواهد بود، مشروط بر آنکه موجب شده باشد که دو شرکت قراردادهای مزبور را نقض کنند، یا اینکه دولت مانع آنها در اجرای قراردادها گردیده باشد. در آنجائیکه خود فلکسی - ون

(۹) فورموست تهران اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۲۳/۳۷-۲۲، صفحات ۲۴ تا ۲۹ (۱۱ آوریل ۲۲/۱۹۸۶ فروردین ماه ۱۳۶۵).

استدلال می کند که "تصمیم نهائی درباره ایفاء یا عدم ایفای تعهدات قراردادی شرکتهادر قبال فلکسی - ون" با دولت بوده، فی الواقع همان مطلب را عنوان می نماید. در اینجا نیز، برای آنکه خواهان بر مبنای این دلیل حاکم شناخته شود، باید اثبات و معلوم نماید که دولت از طریق چه اقداماتی دو شرکت را وادار ساخته قراردادهای اجاره خود با خواهان را نقض کنند. (۱۰) از پرونده مک لافلین (۱۱) نیز بروشنی برمی آید که دولت ایران خود بخود مسئول تعهدات قراردادی شرکتی که طبق مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تحت کنترل دولت تلقی می شود، نمی باشد. لکن فلکسی - ون راجع به اینکه هرگونه اقدامی توسط دولت موجب شده باشد که هریک از این دو شرکت قراردادهای اجاره را نقض نمایند، دلیلی ارائه نکرده است. و باتوجه به عدم ارائه چنین دلیلی، نمی توان دولت را مسئول نقض قراردادهای اجاره توسط استارلاین و ایران اکسپرس دانست.

ه - داراشدن بلاجهت

بالاخره، خواهان ادعای خود را بنحو تخییری و بر مبنای دارا شدن بلاجهت مطرح کرده است. خواهان مدعی است که دولت بعلت نگهداری و استفاده از تجهیزات فلکسی - ون

(۱۰) مقایسه کنید با پرونده کنستانتین آ. جیانوپولوس و دولت جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۱-۳۱۴-۲۳۷، صفحه ۸ (۲۰ ژوئن ۳۰/۱۹۸۶ خردادماه ۱۳۶۵).

(۱۱) مک لافلین انترپرایزر لیمیتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۲۸۹-۲۵۳، صفحه ۱۵ (۱۶ سپتامبر ۲۵/۱۹۸۶ شهریورماه ۱۳۶۵). همچنین رجوع کنید به ارو نوترانیک اورسیز سرویسز، اینکویوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۱۵۸-۲۳۸، پاراگراف ۷۵ (۲۰ ژوئن ۳۰/۱۹۸۶ خردادماه ۱۳۶۵).

بلاجهت دارا شده است. وی در این رابطه اظهار می دارد که سازمانهای دولتی کانتینرها را برده و سازمانهای فوق و افراد خصوصی از کانتینرها برای مقاصد دولتی و خصوصی استفاده نموده اند. خواهان خواستار غرامتی است که میزان آن باید طبق مفاد و شرایط قراردادهای اجاره تعیین شود و بنابراین برابر است با مجموع حسابهای دریافتی، اجاره بهای پرداخت نشده و هزینه جایگزینی وسایل. دولت منکر آن است که کانتینرهائی که خواهان در ایران بجای نهاده، دارا شده است.

مفهوم دارا شدن بلاجهت باشکال مختلف در سیستمهای مختلف حقوقی جهان، منجمله ایران و ایالات متحده مطرح است. (۱۲) دیوان تاکید کرده که "مفهوم مزبور در اکثریت عظیم سیستمهای حقوق داخلی کشورهای جهان به صورت قانون مدون درآمده یا از نظر قضائی پذیرفته شده و با چنان وسعتی مورد قبول واقع شده که در مجموعه اصول کلی حقوق که جهت اعمال در دسترس دیوانهای بین المللی قرار دارند، وارد شده است." (۱۳) دیوان اظهار عقیده کرده که "مفهوم مزبور مبین اصلی است مبتنی بر عدل و انصاف." (۱۴) "قاعده ممنوعیت دارا شدن بلاجهت ذاتا" انعطاف پذیر است، زیرا منطق اصلی قاعده مزبور برقرار کردن تعادل بین دو نفر است که یکی از آنها بدون سبب و

(۱۲) رجوع کنید به قانون مدنی ایران، مواد ۳۳۶ و ۳۳۷. American Law Institute, Restatement of the Law of Restitution § 1 (1937).

(۱۳) سی - لند سرویس اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ صفحه ۲۷ (۲۲ ژوئن ۱۹۸۴/اول تیرماه ۱۳۶۳) که در 6 Iran-U.S. C.T.R. 149, 168 به طبع رسیده است (زیرنویس ها حذف شده است).

(۱۴) شانون اند ویسون اینکوریوریتد و سازمان انرژی اتمی ایران، حکم شماره ۲-۲۱۷-۲۰۷- پاراگراف ۱۷ (۵ دسامبر ۱۹۸۵/۱۴ آذرماه ۱۳۶۵).

به ضرر دیگری دارا شده است. اساس منصفانه آن لازم می نماید که کلیه شرایط و اوضاع و احوال هر مورد خاصی در نظر گرفته شود." (۱۵)

قبل از آنکه بتوان اصل دارا شدن بلاجهت را نسبت به این ادعا اعمال نمود، باید اثر قراردادهای اجاره نسبت به این سبب دعوی را مورد بررسی قرار داد. دیوان قبلاً "نظر داده که در وضعیتی که قرارداد لازم الاجرائی نسبت به هر دو طرف وجود دارد، حق طرح دعوی به نحو تخییری بر اساس دارا شدن بلاجهت ایجاد نمی شود. تحت آن شرایط، تعیین این مسئله که اجرای قرارداد منجر به "دارا شدن" طرفی می شود و چنین دارا شدنی نسبت به طرف دیگر "بلاجهت" است، بدون تعیین دقیق حقوق و تعهدات قراردادی طرفین، میسر نیست." (۱۶) خواننده منحصر بفرد در پرونده حاضر، یعنی دولت ایران، طرف هیچیک از اجاره نامه های منعقد شده بین خواهان و استارلاین و ایران اکسپرس نبوده است. لذا وجود قراردادهای مزبور مانع نمی شود که خواهان ادعائی بر اساس دارا شدن بلاجهت علیه دولت خواننده اقامه نماید.

در اصل دارا شدن بلاجهت این مسئله نهفته است که یک طرف به ضرر طرف دیگر دارا شده باشد. در جایی که طرف دارا شده ادعائی "تحصیل منفعتی" (۱۷) نکرده،

(۱۵) سی - لند فوق صفحه ۲۸، که در 169 Iran-U.S. C.T.R. 6 به طبع رسید (زیرنویس ها حذف شده اند).

(۱۶) تی سی اس بی اینکوریوریتد و ایران، حکم شماره ۱۴۰-۱۱۴، صفحات ۲۱-۲۲، (۱۶ مارس ۲۵/۱۹۸۴ اسفندماه ۱۳۶۲) که در 160,172 Iran-U.S. C.T.R. 5 به طبع رسید.

(۱۷) Jiménez de Aréchaga, State Responsibility for the Nationalization of Foreign Owned Property, 11 N.Y.U. J. Int'l L. & Pol. 179,182 (1978).

دادخواهی بر مبنای دارا شدن بلاجهت میسر نیست. در مواردی که این فرضیه به منظور طرح مسئولیت بین المللی دولتی مورد استناد واقع می‌شود، نظر غالب ظاهراً این است که میزان خسارت دارا شدن بلاجهت باید برحسب میزانی که آن دولت دارا گردیده، سنجیده شود. (۱۸) منفعتی که طرف دارا شده تحصیل کرده، عنصری ضروری برای جبران خسارت دارا شدن بلاجهت می باشد.

در آنجا که خواهان می گوید: "برای اینکه خواننده بلاجهت و به ضرر فلکسی - ون دارا نشود، مکلف است ارزش منافع حاصله توسط ایران و واحدهای تحت کنترل آن، از طریق تصرف تجهیزات را به فلکسی - ون بپردازد"، نظر وی موافق و سازگار با این اصل است. خواهان استدلال می کند که منفعت بدین مفهوم، "تصرف اموال است، صرفنظر از اینکه متخلف چه رفتاری با آن اموال می‌کند"، حال آنکه دیوان نظر داده که غرامت فقط در صورتی می تواند پرداخت شود که دولت - یعنی، خود دولت یا ارگان ها و تشکیلات آن - از اموال باقیمانده در ایران منتفع شده و عملاً از آن استفاده کرده باشند. (۱۹)

(۱۸) فی المثل رجوع شود به:

Francioni, Compensation for Nationalization of Foreign Property The Borderland between Law and Equity, 24 Int'l Comp. L. Quar. 255, 272(1975); Jiménez de Aréchaga, supra id.; Rodriguez Iglesias, El Enriquecimiento Sin Causa Como Fundamento de Responsabilidad Internacional, 34 Revista Espanola de Derecho Internacional 379, 393 (1982).

برای اطلاع از نظرات محافظه کارانه تر، من باب مثال، رجوع کنید به:

J.-P. Lavie, Protection et Promotion des Investissements 204 (1985)

(۱۹) رجوع کنید به سی - لند، در فوق، صفحات ۳۲-۳۱ که در Iran-U.S. C.T.R. 6 به طبع رسیده است.

خواهان در تأیید ادعای خود مبنی بر اینکه دولت کانتینرها را تصرف کرده ، به سوگندنامه آقای ماس استناد می نماید. آقای ماس اظهار می دارد، بطوریکه "من از آقای سیاهپوش عضو شرکت استارلاین ایران کسب اطلاع کردم ، در اواخر سال ۱۹۸۰ و در سال ۱۹۸۱" معلوم شد که سازمانهای مختلف دولتی یا کانتینرها را از ترمینال ها و محوطه انبارها می بردند، یا حتی متصدیان ترمینال آنها را به وزارت کشاورزی اجاره می دادند". آقای ماس در دنبال اظهارات خود می گوید که طی مسافرتش در بیرون شهرها مشاهده نمود که "ایرانیان از کانتینرها بعنوان انبار استفاده می کردند" و او دید که کانتینرها به مسکن مردم تبدیل شده، و در جایی مشاهده کرد که واحدهای نظامی در کانتینرها مسکن گزیده بودند. در خاتمه، آقای ماس اظهار داشته: "اطلاع دارم که ارتش ایران نیز از کانتینرهای فلکسی - ون استفاده نظامی بعمل می آورد".

دولت منکر آنست که از کانتینرهایی که خواهان در ایران بجای گذارده، دارا شده باشد و اظهار می دارد که خواهان از طریق نماینده خود، کانتینرهای نو و قیمتی را از کانتینرهای کهنه و فرسوده جدا کرده و فقط کانتینرهای نو را از ایران صادر و کانتینرهای فرسوده را در ایران بجای گذارده است. دولت اظهار آقای ماس را دایر بر اینکه وی "وضع یکایک کانتینرها را یادداشت و به فلکسی - ون توصیه می کرد که کدامیک را باید مسترد نمود" بمنزله تأیید اظهارات خود تلقی می کند. دولت مضافاً پیشنهاد کرده که خواهان می تواند ۱۴۹ کانتینر را از استارلاین پس بگیرد، مشروط بر اینکه دولت را در قبال ادعاهای اشخاص ثالث بری الذمه و هزینه انتقال کانتینرها را تقبل نماید و هزینه هائی را که استارلاین بابت محافظت از کانتینرها متحمل شده، بپردازد. در مورد ایران اکسپرس، دولت ادعا می کند که در جریان حملات ارتش عراق به بندر خرمشهر که در سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد، کلیه دارائی های ایران اکسپرس نابود گردید.

آقای ماس که سوگندنامه اش در این رابطه مورد استناد خواهان می باشد، رقمی از

تعداد کانتینرهائی که مشاهده کرده یا طبق اطلاع وی، تحت تصرف دولت بوده، ارائه نداده است. در مورد کانتینرهائی که آقای ماس حسب اظهار، مشاهده نموده که مورد استفاده اشخاص یا شرکتهای خصوصی قرار گرفته، نمی توان گفت که دولت از این کانتینرها نفعی حاصل کرده است. در مورد کانتینرهائی که استارلین حسب ادعا به وزارت کشاورزی اجاره داده - - آقای ماس حسب اظهار از طریق نماینده شورای کارگران استارلین از این موضوع اطلاع حاصل کرده - ، باید گفت که استفاده از این کانتینرها دارا شدن بلاجهت دولت محسوب نمی شود، زیرا اگر چنین اجاره‌ای درکار بود، وزارتخانه مزبور اجاره بها را به استارلین می پرداخت. تنها حالتی که می تواند بمنزله انتفاع واقعی دولت از تجهیزات فلکسی - ون تلقی گردد، موردی است که آقای ماس حسب اظهار مشاهده نموده که واحدهای نظامی در کانتینرها مسکن گزیده بودند. آنجائی که آقای ماس می گوید "معلوم شد که سازمانهای مختلف دولتی کانتینرها را از محل می بردند..." نیز همان اثر و مفهوم را دارد.

سوابق امر حاوی تلکسی به تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۰ (دوم اسفندماه ۱۳۵۸) نیز هست که در آن، یوترویک کورپوریشن از طرف "ایران اکسپرس لاینز" و "ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن" و همچنین از جانب بعضی "اجاره دهندگان کانتینرها" که از آنها نام برده نشده، تقاضا کرده که پاره ای از کانتینرها که حسب اظهار تحت تصرف و مورد استفاده سازمان بنادر و کشتیرانی در بندر خرمشهر بوده، مسترد گردد. لکن تلکس مزبور مشخص نمی سازد که این کانتینرها متعلق به خواهان یا شرکت دیگری بوده، و بنابراین ثابت نمی کند که دولت تجهیزات خواهان را مورد استفاده و بهره برداری قرار داده است. بدین ترتیب، تنها مدرک در این باره، سوگندنامه فوق الذکر آقای ماس، کارگزار خواهان طی مدت ذیربط است. دیوان پس از بررسی این سوگندنامه به این نتیجه رسیده است که اظهارات وی درباره محل، مشخصات و تعداد کانتینرها بحدی کلی و غیردقیق است که نمی تواند موعید یک ارزیابی عادلانه از میزان استفاده احتمالی باشد. در جلسه استماع،

خواهان آقای ماس را به عنوان شاهد معرفی ننمود و بنابراین امکان نداشت از وی تحقیق به عمل آید تا بدانوسیله موضوع روشن شود. تحت این شرایط، دیوان از نظر عدالت نمی تواند براساس سوگندنامه ای چنین مبهم که توضیحاتی بصورت شهادت شفاهی درباره آن داده نشده، حکم به پرداخت وجهی صادر نماید. اقدام به چنین عملی، دلخواه و نا مناسب است. بر این اساس، دیوان بر این نظر است که ادعای دارا شدن بلاجهت باید مردود شناخته شود.

هرچند که خواهان این استدلال را صریحا" مطرح ننموده، با اینحال از مبالغ مورد مطالبه می توان استنباط نمود که وی معتقد است دولت تا میزان دیون پرداخت نشده استارلاین و ایران اکسپرس، بلاجهت دارا شده است. لکن، از آنجا که توضیحات بیشتری داده نشده، دیوان نمی تواند ادعای دارا شدن بلاجهت را به نحوی که ارائه گردیده، بر مبنای این واقعیت که "دولت از طریق تصرف و استفاده از تجهیزات فلکسی - ون بلاجهت دارا شده است"، بصورتی تفسیر کند که ادعای دیون پرداخت نشده را نیز در بر گیرد.

ه - هزینه ها

هریک از طرفین باید هزینه های خود را تقبل نماید.

سوم - حکم

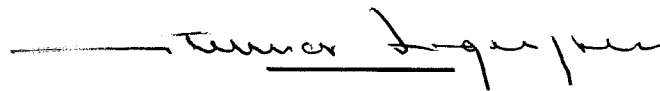
بنا به دلائل پیش گفته،

دیوان حکمی بشرح زیر صادر می کند:

(الف) ادعاهای فلکسی - ون لیسینگ، اینک. مردود شناخته می شوند.

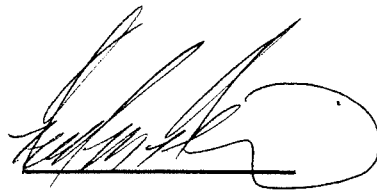
(ب) هریک از طرفین باید هزینه های خود را تقبل نماید.

لاسه، به تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۹ مهرماه ۱۳۶۵)



گونار لاگرگرن

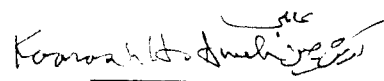
رئیس شعبه یک



هوارد ام. هولتزمن

نظر مخالف

بنام خدا



کورش - حسین عاملی

نظر موافق

م.ک.ب +ع.س/ک.ف